

A BILINGUAL GLOSSARY OF ANNOTATED LITERARY TERMS

ENGLISH-PERSIAN



Abbey Theatre The most famous of Irish theatres and one of the most famous in the British Isles, if not in Europe. It was the centre of the Irish dramatic movement founded in 1899 by W. B. Yeats and Lady Gregory. The aim of the movement was to present Irish plays on Irish subjects performed by Irish actors. The building itself was the result of a conversion of the old theatre of the Mechanics' Institute in abbey Street and the old city morgue next to it. Its creation was made possible through the munificence (and tea) of Annie Horniman (1860-1937), who was later the pioneer of the Manchester School (*q.v.*). It was opened in 1904 and in the next eighty-five years was to bring forward plays by almost all Irish dramatics of any note. Apart from Annie Horniman, the main moving spirits of the Abbey were W. B. Yeats, J. M. Synge and Lady Gregory, plus the Fay brothers. The first plays presented were *On Baile's*

تئاتر ابی مشهورترین میان تئاترهای ایرلندی و حداقل چنانچه در اروپا نباشد یکی از معروفترین تئاترهای جزایر بریتانیا به شمار می آید این تئاتر مرکز جنبش های نمایشی ایرلندی محسوب می شد که در سال 1899 توسط دبلیو. بی. بیتس و لیدی گریگوری تأسیس شد. هدف این جنبش ارائه نمایشنامه های ایرلندی با موضوعاتی مربوط به ایرلند بود که توسط بازیگران ایرلندی اجرا می شد. ساختمان تئاتر حاصل تغییر و باز سازی تئاتر قدیمی انستیتو مکانیک واقع در خیابان ابی و سردخانه قدیمی شهر در مجاورت آن بود. ساخت این تئاتر از راه سخاوت (و نیز به صرف چای) با هزینه آنی هورنیمان (1860-1937) که بعد ها از پیشگامان مکتب منچستر (نک) محسوب می شد ممکن گردید. این تئاتر در سال 1904 گشایش یافت و بنا بود در فاصله زمانی هشتاد و پنج سال بعد نمایشهایی توسط کلیه هنر های نمایشی ایرلند با هر درجه ای از شهرت را روی صحنه بیاورد. صرفنظر از آنه هورنیمان نیروی محرک عمده تئاتر ابی عبارت بودند از: دبلیو. بی. بیتس، جی. ام. سینگ، لیدی

Strand and Cathleen ni Houlihan by Yeats and *Spreading the News* by Lady Gregory. Later came Synge's *The Playboy of the Western World* (1907), which caused riots because Irish morality was offended by a reference, in the text to a woman's shift (i.e. a chemise). The fortunes of the theatre declined somewhat with the removal of Annie Horniman's financial support. Synge died in 1909 and Yeats resigned as a result of a dispute with Lady Gregory, who was to continue until she retired in 1928. Among distinguished Irish playwrights to have their plays produced at the Abbey in its earlier years were Padriac Colum (1881-1972), St John Greer Ervine (1883-1971) and Lennox Robinson (1886-1958), who was manager of the Abbey from 1910 to 1923 (apart from a short break), in which year he became director. After the First World War there were more financial troubles, which were partly relieved by three famous plays by Sean O'Casey (1880-1964): namely, *Shadow of a Gunman* (1923), *Juno and the Paycock* (1924) and *The Plough and the Stars* (1926). In 1925 the Abbey received a government grant and because the first state-subsidized theatre in the English-speaking world. After O'Casey's departure for England (the Abbey rejected *The Silver Tassie* in 1928 and O'casey was deeply offended) the theatre was sustained by a number of fine plays by George Shiels (1886-1949). There was also emphasis on plays in Gaelic. The theatre burned down in 1951; a new one opened in 1966. See CELTIC REVIVAL; CELTIC TWILIGHT.

گریگوری و بالأخره برادران فی. نخستین نمایشنامه ها که ارائه شدند، نمایش روی ساحل شنی بایل و **کاتلین سی هولیهان** توسط بیتس وخبیر پراکنی توسط لیدی گریگوری بودند. چندی بعد (1907) اثر سینگ به نمایش درآمد که شورش هایی در **خوشگذران عالم غرب** پی داشت چرا که اخلاقیات ایرلندی با اشاره ای که در متن به نوعی پوشاک زنانه (یعنی زیرپوش زنانه) شده بود، مورد تهاجم قرار گرفته بود. با قطع حمایت مالی آنه هورنیمان اقبال تئاتر تا حدی رو به زوال رفت. سینگ در سال 1909 درگذشت و بیتس در پی اختلاف نظر با لیدی گریگوری استعفا داد و لیدی گریگوری به کار خود ادامه داد تا اینکه در سال 1928 بازنشسته شد. در میان نمایشنامه نویسان ایرلندی که نمایشنامه های آنها در نخستین سال های ابی به اجرا درآمد، افرادی چون پادریاک کالم (1881-1972)، سنت جان گریبر اروین (1883-1971) و لینوکس رابینسون (1886-1958) را می توان نام برد که رابینسون در فاصله سال های 1910 تا 1923 (به استثنای یک دوره استراحت کوتاه) که در آن مشغول کارگردانی بود، مدیریت ابی را به عهده داشت. پس از جنگ جهانی اول مشکلات مالی شدیدتری گریبانگیر ابی شد که تا حدی توسط سه اثر مشهور **سین** اوکیسی (1880-1964) از جمله سایه یک تیرانداز/ مسلح (1923)، **Juno and the Paycock** (1924) و **دب اکبر و اختران** (1926) برطرف شد. در سال 1925 تئاتر ابی تحت عنوان نخستین تئاتر تحت حمایت مالی دولت از امتیاز یارانه در کشورهای انگلیسی زبان دولتی بهره مند شد. ابی پس از عزیمت اوکیسی به مقصد انگلستان (تئاتر ابی از نمایش تاسی سیمین در سال 1928 امتناع ورزید و این مسئله اوکیسی را عمیقاً آزرده خاطر ساخت) با اجرای شماری از آثار نمایشی جورج شیلز (1886-1949) به کار خود ادامه داد. در این تئاتر، بر اجرای نمایشنامه هایی به زبان گالیگ نیز تأکید می شد. این تئاتر در سال 1951 آتش گرفت و منهدم شد و بناچار تئاتر جدیدی بجای آن در سال 1966 گشایش یافت. به **نهضت احیای زبان سلتی، نهضت/نوزایی سلتی** رجوع شود

abecedarius See A CROSTIC

شعراجدی / الفبائی . به شعر موشح / تصویری رجوع شود.

Abenteuerroman (G 'adventure novel') A form of fiction (related to the *Schelmenroman* or picaresque novel) primarily intended as entertainment but sometimes with a serious purpose. It appears to be traceable to medieval verse tales (of the *Spielmannsdichtung*, q.v., variety) such as *Herzog Ernst*, *König Rother* and *Salman und Morolf*, and also to tales in prose of the 16th c. of the *Volksbücher* kind. Georg Wickram's *Der Goldfaden* (1557) is an example. There was also the *Volksbuch Fortunatus* (1509), which became widely known in Europe in several languages. Thomas Dekker wrote an agreeable comedy titled *Old Fortunatus* (1600). A notable example of the fully fledged *Abenteuerroman* was Johann Grimmelhausen's *Der abenteuerliche Simplicissimus* (1669). Johann Beer (1655-1700) also wrote some. Later derivatives, in the 18th c., were the *Schauerromane* (q.v.) and the *Ritter- und Räuberromane* (q.v.). See also GOTHIC NOVEL/FICTION; PICARESQUE NOVEL; ROBINSONADE; VOLKSBUCH.

رمان ماجراجویی / مخاطره / دلاوری / شگفتی آور (در زبان یونانی به مفهوم 'رمان ماجراجویی' است) گونه ای از ادبیات داستانی (مرتبط با رمان مقامه وار یا رمان عیاری) که هدف عمده آن ایجاد سرگرمی و در عین حال گاهی اوقات نوعی قصد جدی را در بردارد. ظاهراً خاستگاه این گونه ادبی به داستان های منظوم قرون وسطی (از دسته شعر شاعر ، نک، تنوع) از جمله هرزوغ ارنست، کونینگ روذر و سلمان و مورلوف و نیز به داستان های منثور قرن شانزدهم از نوع کتب عوام برمی گردد. *Der Goldfaden* اثر جورج ویکرام (1557) نمونه ای از این دست می باشد. *Volksbuch Fortunatus* (1509) نیز نمونه دیگری است که به زبان های مختلف در اروپا شهرت فراوانی یافته است. توماس دکر در سال 1600 کمدی قابل قبولی با عنوان *Old Fortunatus* را به رشته تحریر در آورد که با اقبال عمومی مواجه شد. مثل اعلامی از صورت نهایی داستان عاشقانه *abenteuerliche, Simplicissimus* (1669) نوشته یوهان گریماهوسن می باشد. یوهان بیر (1655-1700) نیز آثاری از این دست نگاشته است. آثار اقتباس شده بعدی در قرن هجدهم *Schauerromane* (نک) و *Ritter und Rauberromane* (نک) بودند. به رمان / ادبیات داستانی گوتیک ؛ رمان مقامه وار / عیاری ؛ رمان جزیره متروکه / خالی از سکنه کتاب عوام VOLKSBUCH رجوع شود.

ab ovo (L 'from the egg') This term may refer to a story which starts from the events it narrates, as opposed to one which starts in the middle - *in medias res* (q.v.). Horace used the expression in *Ars Poetica*

روایت از سر آغاز / نقل درست از اول رویداد / شروع ماجرا در ابتدای وقایع (در زبان لاتین به معنی 'از اول / تخم مرغ' است) این اصطلاح ممکن است اشاره به داستانی داشته باشد که از ابتدای رویدادهایی که نقل می شود آغاز می گردد که در مقابل داستانی که از میانه رویدادها شروع می شود (نک) *in medias res* (نک) هوراس از این عبارت در هنر شعر و شاعری *Ars Poetica* استفاده نمود.

abridged edition An abbreviated or condensed version of a work. Abridgement may be done in order to save space or to cut out passages which are thought unsuitable for some sections of the reading public. School editions of Shakespeare were often abridged (and still are occasionally) lest the sensibilities of adolescents be offended. *See also* BOWDLERIZE

نسخه اختصاری / چاپ ملخص / کتاب موجز نسخه کوتاه شده یا فشرده یک اثر. تلخیص ممکن است برای صرفه جویی در فضا یا حذف متونی به کار رود که تصور می شود برای برخی از بخش های جامعه خوانندگان مناسب نیست. نسخه های آثار شکسپر که در مدارس تدریس می شدند اغلب به صورت تلخیصی ارائه می شدند (و هنوز نیز گهگاهی این چنین است) تا مبادا احساسات جوانان خدشه دار شوند. به آلیش / پیرایش / هرزه زدایی ادبی نیز رجوع شود.

absence/presence Terms or concepts given a particular meaning by the French philosopher Jacques Derrida (1930-). Speech and the spoken word imply the immediate presence of somebody: a speaker, orator, actor or politician, for example. Writing does not require the writer's presence. Thus, the originator of the world is absent.

غیبت / حضور، نبود / بود، فقدان / برخوردار اصطلاحات یا مفاهیمی که فیلسوف فرانسوی ژاک دریدا (1930 -) معانی خاصی برای آن ها قایل شده است. سخن و واژگان گفتاری متضمن حضور آنی فردی یا افرادی: مانند فرد متکلم، سخنران، بازیگر یا سیاستمدار است. کار نگارش نیازی به حضور نگارنده ندارد. بنابراین، پدید آورنده این عالم هستی حضور ندارد و غایب است.

absolutism The principle or doctrine that there are immutable standards by which a work of art may be judged. The absolutist contends that certain values are basic and inviolable. *See* RELATIVISM.

مطلق باوری / نهایت گرایی / مطلق گرایی اصل یا اعتقاد بر اینکه معیارهای غیر متغیر و ثابتی که بر مبنای آن آثار هنری مورد قضاوت قرار می گیرند. فرد مطلق گرا اعتقاد دارد که ارزش های خاصی اساسی و غیر قابل تخطی می باشند. به نسبیت گرایی رجوع شود.

abstract (a) A summary of any piece of written work; (b) Not concrete. A sentence is abstract if it deals with a class of things or persons: for example: 'All men are liars'. On the other hand 'Smith is a liar' is a concrete statement. The subject of a sentence may also be an abstraction, as in 'The wealth of the ruling classes'. Something may be said to be abstract if it is the name for a quality, like heat or faith, Critics use the terms abstract and concrete of imagery. For instance, Pope's:

خلاصه / چکیده / تلخیص جامع، اسم معنی / انتزاعی / مجرد / تجریدی (الف) چکیده ای از هر قطعه از اثر هنری مکتوب. (ب) غیر ملموس / غیر مشهود. یک جمله زمانی انتزاعی است که به طبقه ای از اشیاء یا افراد بپردازد: به عنوان مثال: 'تمام انسان ها دروغگو هستند' از سوی دیگر جمله: اسمیت دروغگو است یک جمله غیرانتزاعی و حقیقی تلقی می گردد. فاعل یک جمله نیز امکان دارد به صورت انتزاعی باشد. مانند 'ثروت طبقات حاکم'. یک چیز در صورتی انتزاعی خوانده می شود که نامی برای کیفیت مانند گرما یا ایمان باشد. منتقدین از اصطلاحات انتزاعی و واقعی در رابطه با صور خیال به کار

Hope springs eternal in the human breast,

Man never is, but always to be, blest

می گیرند. به عنوان مثال این شعر پوپ:

is abstract; whereas the same poet's

امید همیشه در قلب انسان می تپد

Fair **tresses** man's imperial race insnare
And beauty draws us whit a single hair.

انتزاعی است؛ در حالیکه شعر همان شاعر:

تبارخسروانی آدمی در بند گیسوی خوبان
و زیبایی ما را با تار مویی می کشد.

is concrete.

از گونه عینی است.

In poetics the concrete has tended to be valued above the abstract. Sidney, for example, in *Apologie for Poetrie* (1595), praised poetry's concreteness. Neoclassical thought preferred generality. A preference, in theory, for concreteness, reappears with Wordsworth, Coleridge and Shelley. In the 20th c. the distinction between concrete and abstract has undergone further change. Ezra Pound and T. E. Hulme attempted to **formulate a theory of concrete poetry**. T. S. Eliot reinforced this with his 'objective correlative' (*q.v.*).

در هنر شاعریت/ فن شعر مقوله عینیت بر مسائل انتزاعی برتری می یابد. به عنوان مثال سیدنی در کتاب خود تحت عنوان در **دفاعیه/ از شعر** (1595) عینیت گرایی شعری را تحسین می کند. اندیشه نوکهنگرا برای جنبه عمومیت برتری قائل است. برتری نظری عینیت مجدداً با آثار ویلیام وردزورث، سامول تیلور کولریج و **شلی** رواج یافت. در قرن بیستم تمایز میان عینیت و انتزاع **دچار تحولات بیشتری شد**. **عذرا پاوند و تی. ای. هولم تلاش کردند تا نظریه شعر عینی را بیافرینند**. تی اس الیوت این نکته را با **همبستگی عینی** (نک) **خود مستحکم نمود**. در اغلب بخشهای نظم عمدتاً زبان عینیت حاکمیت دارد **ما نثر ماهیت انتزاعی دارد**. به هر حال نثر بهتر می تواند به مسائل انتزاعی بپردازد زیرا از دقت بیشتری برخوردار می باشد؛ **از اینرو** لزوماً دقیق تر تلقی نمی گردد. به **منظومه انتزاعی**، **تصویرگرایان**، **نوکهن گرایی** نیز **رجوع** شود.

For the most part poetry is the language of concreteness; prose that of the abstract. At any rate prose tends to be better able to deal with the abstract because it is more precise; not necessarily, therefore, more accurate. See also ABSTRACT POEM; IMAGISTS; NEOCLASSICISM.

abstract poem Edith Sitwell used this term for verses which depend primarily on their sound for meaning. In their more extreme forms sense is almost completely sacrificed to aural effects. Edith Sitwell herself was a gifted practitioner of such poetry, especially in the collection ***Façade***. Gerard Manley Hopkins also made daring use of onomatopoeic and melopoeic devices; so did the French poet Rimbaud. Among writers using English Roy Campbell (1901-57) was perhaps the most outstanding and prolific experimenter. This example is taken from

منظومه شعر انتزاعی/ قطعه شعر معنی/ شعر مجرد / نظم تجربیدی ادیت سیت ول از این اصطلاح برای اشعاری که عمدتاً از لحاظ معنا به صورت وابسته هستند به کار می گرفت. در شکل های افراطی تر، حس شعری تقریباً به طور کامل فدای جلوه های شنیداری می گردد. ادیت سیت ول خود یکی از هواداران و کاربران این نوع شعر بود که به ویژه در مجموعه ***Façade*** می توان این نکته را مشاهده کرد. ژرار **منلی هپکینز** نیز کاربرد جسورانه ای از ابزار آوایی و آهنگی داشت؛ شاعر فرانسوی **ریمبوود** نیز چنین کاربردی را در شعرهای خود لحاظ می کرد. در میان نویسندگان **روی کمپبل** انگلیسی (1901 -

his series *Mithraic Frieze*, published in *Mithraic Emblems*:

Of seven hues in white elision,

the radii of your silver gyre,
are the seven swords of vision
that spoked the **proplets'** flaming tyre;
their sistered stridencies ignite
the spectrum of the poets' lyre
whose unison becomes a white
revolving disc of stainless fire,
and sights the eye of that sole star
that, in the heavy clods we are,
the kindred seeds of fire can spy,
or, in the cold shell of the rock,
the red yolk of the phoenix-cock
whose feathers in the meteors fly.

See ABSTRACT.

abusio See CATACHRESIS.

academic Four basic meanings may be distinguished: (a) that which belongs to the school of thought of Plato—from academy (*q.v.*): (b) a person or work that is scholarly and **erudite**; (c) concerned with the rules of composition rather than with the result of the act of creation; (d) of little importance or **note**. In the second and fourth **senses the word is often used pejoratively**.

academic drama Plays, considerably under the influence of Roman comedy, which were performed in schools and colleges in England early in the 16th c. The works of Terence and Plautus were particularly popular. Eventually, original plays, based on Classical models, appeared in English. An early—possibly the earliest example—is **Ralph Roister**

(1957) شاید برجسته ترین شخصیتی بود که از آن استفاده کرد. این نمونه از مجموعه *Mithraic Frieze* وی برگزیده شده که در *Mithraic Emblems* به چاپ رسید.

از هفت رنگ در پاکی سپید
پرتوهای سیمین موهای تو
هفت شمشیر خیال انگیزند
همانها که شعله چراغ پیامبران را افروختند
بی پروایی خواهران روحانی با آنها به هیجان آمد
آن طیف از چنگهای شاعران
که وحدت آنها قرص چرخان سپیدی
از آتش جاودان می شود
و به چشمان آن تک ستاره خورشید خیره می شود
اینجا در توده ابرها که ما هستیم
بذرهای خویشاوندی آتش میتوانند کنجکاوای کنند
یا در پوسته سرد آن صخره
در زردی قرمز رنگ ماده ققنوس
که پرهایش بر سنگ شهابها پرواز می کنند.

به چکیده/انتزاعی/تجریدی نیز رجوع شود

..... به تحریف/انحراف عمدی از معنای
کلمه رجوع شود.

تحصیلی/تعلیمی/دانشگاهی چهارمعنای اساسی میتوان برای این واژه قائل شد: الف) آنچه که به مکتب تفکر افلاطون تعلق دارد—از آکادمی (نک) ب) فرد یا کاری که فاضلان یا اندیشمندان باشند (ج) در رابطه با قوانین تألیف و نگارش تا پیامد کار آفرینش د) کاری که از اندکی اهمیت یا توجه برخوردار باشد. دومین و چهارمین مفهوم این واژه اغلب به صورت نقادانه به کار گرفته می شود.

نمایش دانشگاهی نمایشنامه هایی که به نحوی چشمگیر تحت تأثیر کمدی رومی قرار دارند و در اوایل قرن شانزدهم در مدارس و دانشکده های انگلستان اجرا می شدند. آثار ترنس و پلاتوس بسیار به خصوص مورد علاقه عموم مردم بودند. در نهایت نمایش های اصلی مبتنی بر طرح های قدیمی ارزشمند به انگلیسی آشکار و هوبدا گشتند. اولین—احتمالاً قدیمی ترین نمونه—را

Doister (written c. 1553, printed c. 1567), a knockabout comedy by Nicholas Udall, written for the boys of Westminster School. It follows Roman prototypes in divisions and unities (*q.v.*), in motivation and plot (*q.v.*). See also COMEDY; JESUIT DRAMA; SCHOOL DRAMA; SENECA TRAGEDY.

می توان در کمدی/شادانه بزن و بکوب نیکولاس اودال تحت عنوان *رالف رویستر دویستر* (حدود 1553 میلادی نگاشته شده، حدود 1567 میلادی چاپ شده) دانست که برای پسر بچه های مدرسه *وستمینستر* نوشته شد بود. این سبک در بخش ها و کلیت ها (نک)، در انگیزه ها و طرح های داستانی از نمونه های نخستین رومی جدا و پیوسته پیروی می کند. به کمدی/شادنامه/شادنمایش، فرقه عیسویون، نمایش مدارس، تراژدی/سوگنامه/سوگ نمایش سنکائی نیز رجوع شود.

academy The word is derived from the name of a park near Athens where Plato's Academy was situated from 387 B.C. to A.D. 529. The name was adopted in Italy by scholars during the Renaissance and now usually applies to some sort of institution devoted to learning, even if it be only the trade of war – as at the Royal Military Academy. There are a large number of academies scattered round the world. Most of them are concerned with research and culture and have limited memberships. Some are very exclusive. Probably the most famous is the Académie Française, founded by Richelieu in 1635. This is primarily a literary academy, one of whose main tasks is the compilation and revision of a dictionary of the French language. The British Academy was founded in 1902 for the promotion of moral and political sciences. The exclusiveness of many academies may account for the pejorative use of the word 'academic' (*q.v.*). The Académie Française, for instance, has been described as the 'hôtel des invalides de la littérature'. The pejorative use may equally derive from the **anti-intellectualism** of modern literary culture. See also ACADEMIC.

فرهنگستان این لغت از نام **پارکی** در نزدیکی آتن جائیکه آکادمی افلاطون از سال 387 پیش از میلاد مسیح تا سال 529 پس از میلاد در آنجا واقع بود برگرفته شده است. این نام در طی دوران نهضت/نوزایی از سوی اندیشمندان ایتالیایی پذیرفته شده و اینک معمولاً برای نوعی مؤسسات و نهادهای آموزشی حتی چنانچه در کار ساز و برگ نظامی باشد- مانند آکادمی نظامی سلطنتی به کار می رود. تعداد زیادی از آکادمی ها در چهار گوشه جهان یافت می شوند. کثر آنها به امر تحقیق و فرهنگ می پردازند و از عضویت های محدودی بهرمنند هستند. برخی از آنها بسیار انحصاری می باشند. احتمالاً مشهورترین آنها آکادمی فرانسه است که در سال 1635 توسط **رشلیو بنیانگذاری** شد. این آکادمی ابتدا یک آکادمی ادبی است که یکی از کارهای اصلی آن تدوین و تجدید نظر در فرهنگ زبان فرانسه می باشند. آکادمی انگلیسی در سال 1902 برای ارتقاء علوم اخلاقی و سیاسی تأسیس گردید. انحصاری بودن بسیاری از آکادمی ها امکان دارد ناشی از کاربرد غیر اصولی و توهین آمیز واژه 'آکادمیک' (نک) باشد. برای مثال فرهنگستان فرانسه به عنوان 'hôtel des invalides de la littérature'. کاربرد منفی و تحقیرآمیز ممکن است برگرفته شده از **صد** روشنگری فرهنگ ادبی مدرن باشد. به فرهنگستان نیز رجوع شود.

acatalectic (Gk 'not lacking a syllable in the last foot') It denotes, therefore, a

بحر سالم با اوتاد کامل/وزن سالم (واژه ای یونانی به معنای 'فاقد یک هجا در آخرین رکن شعری نیست').

metrical line which is complete. If a line lacks one or more unaccented syllables it is truncated (*See* CATALEXIS). If a line contain an extra syllable it is then **hypercatalectic** (or hypermetrical' redundant or extrametrical). In the following stanza from William Blake's *Art and Artists* the first line is catalectic, the third acatalectic, and the fourth hypercatalectic:

When Sr Joshua Reynolds died
All Nature was degraded;
The King dropp'd a tear into the Queen's Ear,
And all his Pictures Faded.

See BRACHYCATALECTION; CATALEXIS;
DICATALECTION

از این رو دلالت بر مصرعی موزون که به صورت کاملی است دارد. چنانچه بیت دارای یک یا چند هجای تکیه دار نباشد مختصر شده تلقی می گردد (به محذوف / ناقص بودن آخرین و تد رجوع شود). چنانچه یک مصرع مشتمل بر هجای اضافه باشد سپس مصرع فاقد یک و تد اساسی در میان و انتها است. (یا حشوآمیز و یا فرا هجائی است). در قطعه شعری زیر از اثر هنر و هنرمندان و بلیام بلیک اولین مصرع غیر سالم/مزاحف، سومین مصرع بحر سالم و مصرع چهارم دارای هجای زائد می باشند:

وقتی سر جوشوا رینولد درگذشت
کل طبیعت از هم پاشید
پادشاه قطره اشکی بر گوش ملکه فشانید
و تمام تصاویر وی ناپدید گشتند .

به مقطوف / محذوف / ناقص بودن آخرین و تد مصرع /
فاقد یک و تد اساسی در میان و انتها رجوع شود.

accelerated rhyme *See* RHYME.

قافیه بحر سالم. به قافیه رجوع شود.

accent The emphasis or stress (*q.v.*) placed on a syllable especially in a line of verse. It is a matter of vocal emphasis. Where the accent comes will depend on how the reader wishes to render the sense. In the following lines the metrical stress is fairly clear, but the accents can be varied:

All human things are subject to decay,
And, when Fate summons, Monarchs must obey.

همه انسان ها در معرض زوال قرار می گیرند
و وقتیکه سرنوشت فراخواند، پادشاهان باید اطاعت کنند.

The variables are 'all', 'human', and, 'when', 'Fate', 'Monarchs', 'must', and 'obey'. At least half a dozen emphases are possible. Obviously, where the metrical scheme is very strict, then accent variation is limited. In blank verse (*q.v.*), however, many subtleties of accent are possible. *See* BEAT; HOVERING ACCENT; ICTUS; LEVEL STRESS; LOGICAL STRESS; QUANTITY.

ضرب / تکیه / فشار تأکید یا تکیه (نک) بر یک هجا به ویژه در یک سطر شعری (مصرع). این نکته درباره تأکید صوتی است. محل قرار گرفتن تکیه به شیوه ایکه خواننده می خواهد مفاهیم شعر را ابراز کند بستگی دارد. در مصرع های زیر تأکید وزنی نسبتاً روشن است اما تکیه ها می توانند تنوع داشته باشند.

متغیرها عبارتند از 'همه'، 'انسان'، 'و'، 'هنگامیکه'، 'سرنوشت/عاقبت'، 'پادشاهان'، 'باید'، 'او'، 'اطاعت کنند'. حداقل نیمی از این تأکیدها امکان پذیر هستند. بدیهی است چنانچه طرح قطعه شعری بسیار دقیق باشد تنوع تکیه بسیار محدود می گردد. در شعر سفید (نک) بسیاری از ظرافت های پنهان تکیه امکان پذیر می شوند. به ضرب / کوبه، تکیه جهشی / پرشی، ضربآهنگ / تکیه تراز، تکیه منطقی / معقول، کمیت رجوع شود.

accentual verse See METER

شعر ضربی / تکیه دار / فشار بر به بحر / وزن رجوع شود

accidence That branch of grammar which deals with 'accidents' that is the in flexions or the variable endings of words.

اصول صرف و نحو / صورتهای صرفی / تغییرات ساختار واژه / موارد اتفاقی و عرضی نحوی شاخه ای از دستور که به 'تصرف' زبان یعنی وندهای صرفی و پایانه های متغیر واژگان می پردازد

acclamatio See EPIPHONEMA.

پایان خوش. به حسن ختام / فرجام خیر / اسر انجام شیرین رجوع شود.

acephalous (GK 'headless') A **metrical** line whose first syllable according to strict meter, is wanting. An iambic line with a monosyllabic first foot would be acephalous.

ناقص الرأس / بی کله / بی سر / آخرم / اثلیم / موقوص / فقدان یک هجا در وتداول (در زبان یونانی به معنی 'بی سر' است) یک مصرع عروضی / وزنی که هجای اول آن بر استناد وزن دقیق خواستن است. یک مصرع بحر فعل با رکن تک بخشی / هجایی اول بی سر به شمار می آید.